



رقص سیاهان، مبارزه‌ای

در راه آزادی

نویسنده: ادوارد تورپ

ترجمه و تلخیص: ادیسه زیادلو

۸۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آغازی تلخ و دردناک

بسیاری از گونه‌های رقص در جامعه سیاه پوستان، حاصل شرایط تاریک دوران برده داری است. رقص سیاهان، به نوعی، التیام رنج اسارت و مبارزه‌ای در راه آزادی بوده است.

مقوله رقص، که در حقیقت همان حرکت صریح و گویای سر، تنه، دست و پای می‌باشد، در بین نژادهای کاراییبی - آفریقایی، هنگام صحبت و گفت و گو، امری طبیعی و غریزی بوده و هم اکنون نیز می‌باشد. هر گونه حس عاطفی انسانی، مانند شادی، غم، خشم،

ترس، ترحم و حالانی چون جذب و وجد، به طور طبیعی، از طریق رقص و حرکات موزون، در گفتمان روزمره قبایل آفریقایی نمایان می‌شود.

«Geoffrey Gorer» در کتاب «رقص‌های آفریقا»

در ۱۹۳۵ م. می‌نویسد: «آفریقایی‌ها می‌رقصند و رقص آنها بی نظیر است، ولی دامنه‌ی فعالیت‌شان محدودتر و قدرت ابتکارشان کمتر از آن است که با رگه‌های سیاه مقایسه شوند. آفریقایی‌ها تنها یک هنر دارند و ما شاهد هستیم که آن را به چه جایگاه رفیعی

رسانیده اند؛ به طوری که زندگی آنان در رقص خلاصه می شود.

در اوایل قرن شانزدهم، بردگان آفریقایی به «هاییتی» منتقل شدند. سال ها بعد، قریب یک میلیون برده وارد هند غربی شدند و این تعداد، به تدریج در طول دو قرن بعد افزایش یافت. بردگان در هند غربی و جزایر کاراییب، برای انجام مسئولیت های آینده آماده می شدند. بدین ترتیب، سفر دریایی رعب انگیز و پر مخاطره ی بردگان، از غرب آفریقا آغاز می شد. در شرایطی که بیش از نیمی از بردگان، بر اثر وجود امراض داخل کشتی، جان می سپردند، این محموله ی رقت انگیز انسانی، به عرشه آورده و به رقص، مجبور می شدند. این عمل، هم تمرین و ورزشی برای حفظ سلامتی بردگان، در طول سفر بود و هم وسیله ای برای سرگرمی خدومه و مستخدمین کشتی.

بردگان، اغلب، با ضربات شلاق و تازیانه، به رقص وادار می شدند؛ رقصی زنجیروار، که در حقیقت جهش و پرشی بیش نبود. معمولاً بسیاری از بردگان، به خاطر رقص، در داخل کشتی اغوا می شدند. به آنها پاداش داده می شد تا رقص های قبیله ای خود را، به عنوان تفریح و سرگرمی به نمایش بگذارند. بعد از اتمام رقص، به آنها مشروبات الکلی داده می شد و هنگامی که از حالت منگی و کرختی خارج می شدند، خود را فرسنگ ها، دور از سرزمین خود می یافتند.

در کشتی هایی که وضعیت بهتری داشتند و با بردگان کمی ملایم تر برخورد می کردند، بردگان به اراده ی خود می رقصیدند. بسیاری از آوازهایی که همراه این رقص ها خوانده می شد، مرثیه هایی بود که به مناسبت دوری بردگان از زادگاه و خانواده هایشان سروده می شد.

بسیاری از رقص های روی عرشه کشتی، با یک طبل همراهی می شد و ملوانان نیز، بر حسب تصادف، با ویولن، بانجو، فلوت و یا حتی چنگ آنها را همراهی می کردند و بدین ترتیب ریتم ها و ملودی هایی خلق می شد. البته گاهی اوقات از دایره زنگی نیز استفاده می کردند و حتی اگر سازی موجود نبود، این قطعات و ریتم ها، بر روی هر وسیله ای که در دسترس بود، از جمله ظروف آشپزخانه، جعبه ها و تجهیزات کشتی، نواخته و اجرا می شد.

کشش و اشتیاق آفریقایی ها به رقص، علیرغم نبود

هر سازی، همچنان به قوت خود باقی بود و اگر شرایط برای رقص مهیا نمی شد، به دست زدن بسنده می کردند.

موسیقی پیچیده ی آفریقایی، مرتباً به وسیله ی تعدادی طبل، با کنتربوان های استادانه ای خلق می شدند که البته این گونه ترکیب ها، در محدوده ی یک کشتی، معمولاً ساده بودند.

این رقص ها، گستره ای از قطعات نمایشی، مانند رقص های جنگی، آداب و تشریفات درباری، رقص های حلقه ای (Ring Dances) و تک رقصی ها و تک نوازی های فی البداهه را دربر می گرفت.

در بسیاری از کشتی های اسپانیایی که عموماً از آن ها به عنوان بدترین نوع کشتی های حامل بردگان یاد می شود، این رقص ها تا حد صحنه های زشت و شهوت انگیز، بین ملوانان و بردگان زن تنزل می یافت.

زمانی که بردگان به ساحل می رسیدند، به خصوص در کاراییب، آزادی بیشتری می یافتند. جزایری که تحت نفوذ اسپانیایی ها و فرانسوی ها بود، به دلیل نوع تفکر و برخورد کلیسای کاتولیک، آزادی بیشتری برای بردگان ایجاد می کردند تا آنها غریزشان را برای رقص بی گیرند. تنها زمانی که آداب کفرآمیزی در رقص های به اصطلاح مذهبی شان دیده می شد، کلیسا نسبت به آنها واکنش نشان می داد.

بعد از شورش بردگان هاییتی به فرماندهی «Toussaint l'Ouvature» در ۱۸۰۳ م. جابه جایی بردگان از هند غربی به قاره ی امریکا افزایش یافت. با ادامه ی جنگ، در دورانی که دولت های فرانسه و اسپانیا، در تلاش برای بازپس گرفتن اموال از دست رفته ی خود بودند، بسیاری از مقیمان سفیدپوست و بردگان شان، به لوئیزیانا (Louisiana) و به خصوص نئواورلئان (New Orleans) گریختند و بدین ترتیب، جامعه ی بزرگ سیاه پوستان را در این شهر به تثبیت رساندند.

بعد از لغو برده داری و بردگی، فرهنگ رقص سیاهان و استفاده از ریتم های سبک و نرم، جان تازه ای برای شکوفا شدن یافت.

فرم های رقص سیاهان

رقص های قبایل آفریقای غربی، شامل گونه هایی از نوع ساده و تک رقصی های فی البداهه تا آداب و

و آن را تهدیدی برای هم نوعان خود نمی دانستند.

رقص کالندا (Calenda):

یکی از رقص هایی که بین بردگان هند غربی رواج یافت، رقص کالندا بود؛ رقصی که با مخالفت صاحبان برده ها و مبلغین مذهبی مواجه شد. زنان و مردان، در این رقص، روبه روی یکدیگر قرار می گرفتند و همراه با ترانه ای که به صورت بداهه، توسط یکی از تماشاچیان خوانده می شد، می رقصیدند. ریتم و وزن این اشعار، با دست زدن تنظیم می شد. رقصنده ها، بازوان شان را به صورت هلالی، مانند قاشق زن های اسپانیایی نگه می داشتند و خطوطی که رفاص ها در آن محدوده می رقصیدند، گاه همراه با پرش یا چرخش های سریع، به یکدیگر نزدیک می شدند و با یکدیگر تماس برقرار می کردند و حرکات زننده و شهوت انگیزی انجام می دادند و سپس، دوباره به حالت اولیه خود باز می گشتند. همچنان که رقص ادامه می یافت، سرعت آن بیشتر و تماس ها، شهبوانی تر و شنیع تر می شد.

یکی از تماشاچیان رقص های دورگه های کاراییبی، در قرن هجدهم، این چنین نوشته است: «سیاهان همه ی روز خود را، مشتاقانه، به رقص

مناسک مذهبی ست که در عمل با هم تفاوت دارند؛ از حرکات و پای کوبی ها گرفته تا تکان ها و لرزش هایی را که در سراسر بدن صورت می گیرد، شامل می شود. در بیشتر رقص هایی که توسط سفیدپوستان انجام می شود، چه رقص های محلی و یا اجتماعی و درباری و چه اسلوب های ساختگی و استادانه ی باله ی کلاسیک، تنه نسبتاً صاف و راست حرکت می کند و سر و شانه و دست و پا، آن حالتی را که برای رقص نیاز است، ایجاد می کنند. بعضی مواقع، در این هنرنامه یی ها بر روی پاها تکیه می شود، مانند چرخش ها و پیچش هایی که در رقص اسکاتلندی وجود دارد و همچنین رقص های «Celtic» که با کفش های تخت چوبی انجام می شود و یا رقص کولی های اسپانیایی و همچنین رقص مازورکای اسلاوها. در بعضی از رقص ها، مثل رقص مینوئت (Minuet) حرکات آرام و وزینند و در بعضی دیگر مثل رقص ولتا (Volta) حرکات سریع و سبک هستند. اما به هر ترتیب، در همه ی این رقص ها، تنه، راست و بدون کشیدگی ست. البته شانه ها ممکن است در خلاف جهت کمر و پاها حرکت کنند، ولی این گونه حرکات در مقایسه با رقص سیاهان کم تر است.

در رقص سیاهان، قسمت خاصه ای بدن، مرکز ثقل تمام حرکات است. در این حرکات، بدن به جلو و عقب متمایل و کشیده می شود و نیز لرزشی بدن را فرا می گیرد؛ به طوری که این حرکات لرزان و دوآر، به همه ی نقاط بدن سرایت می کند. به گونه ای که به نظر می رسد، فرد دچار تشنج شده است. رقص

سفیدپوستان، با ظرافت، زیبایی، وقار و تکبر همراه است، اما در رقص سیاهان، نمایش زیبایی هدف نیست؛ بلکه منظور، احساس و هیجانی ست که رفاص در حین رقص تجربه می کند. زیبایی رقص سیاهان، در آزادی در بیان احساساتشان نهفته است.

رقص سیاهان، بسیار متنوع است. به عنوان مثال، آفریقایی های ساحل «طلا»، بیشتر قبایل از غیر ساحلی، خصلت جنگجویانه داشته اند و به همین دلیل رقص های آنان، با درگیری و برخورد بی رحمانه و وحشیانه ی مردان همراه بود. در صورتی که کشاورزان و چوپانان مناطق غیر ساحلی و داخلی، مانند سنگالی ها و کنگویی ها، از رقص برای تمدد اعصاب و استراحت لذت می بردند و حرکاتشان بسیار احساسی و ملایم بود



می گذرانند که در حقیقت، در حکم تمرین و ورزش برای آنهاست». در اواسط قرن هجدهم، رقص کالندا، توسط بسیاری از مزرعه داران ممنوع شده بود، زیرا آنها از این که ماهیت خانمانسوز این رقص ها، ممکن بود منجر به شورشی در بین اهالی بومی شود، وحشت داشتند. این رقص، حتی در همه ی هند غربی و امریکا نیز رواج یافت. «Creole» های اسپانیایی مقیم لویزیانا نیز به این رقص علاقه مند بودند و حتی سوابقی از رقص زنان راهبه وجود دارد که بیانگر شادمانی آنها از ولادت منجی موعود می باشد.

رقص کالیندا (Caleinda):

رقص دیگری به نام کالیندا نیز وجود داشت که فقط توسط مردان اجرا می شد. آنها تا کمر برهنه بودند و چوب های سنگین خود را به منظور نمایش جنگی دروغی می چرخاندند که نسبتاً از رقص های دو به دو مشکل تر بوده است.

رقص چیکا (Chica):

رقص دیگری که بسیار متداول و مرسوم بود و این احتمال می رود که از اهالی کنگو، نشأت گرفته باشد، چیکا نام دارد. این رقص از جزایر «Wind Ward» و



«Santo Domingu» آغاز شده و تا نتواورلشان و کوبا نیز رواج یافت. آن گونه که از شواهد برمی آید، این رقص با هنرنمایی زنی آغاز می شود که انتهای دامن و یا دستمال خود را در دست دارد و همراه با آهنگ و ریتمی مشخص، پایین تنه ی خود را تکان می دهد، در صورتی که بالاتنه اش، نسبتاً بی حرکت است. بعد از مدتی، مردی به جایگاه رقص وارد شده و به طرف زن می رود. در واقع به طرف او حمله ور شده و بعد خود را عقب کشیده و دوباره به شدت، خودش را به جلو پرت می کند.

به نقل یکی از وقایع نگاران، وقتی رقص «چیکا» به حساس ترین و مهم ترین صحنه می رسد، در حرکات و اشارات دو رقصنده، هماهنگی و توافقی به چشم می خورد که قابل توصیف نیست. چنین استنباط می شود که «چیکا» و «کالندا» رقص هایی هستند که در آن، رقاصان برای تماس های بیشتر، تحریک می شدند و در حین رقص، زوج های دیگری به زوج های اولیه می پیوستند.

یکی از سازهایی که به همراه رقص «چیکا» نواخته می شود، طبلی به نام بامبولا (Bamboula) است که اشاراتی نیز به رقصی به همین نام وجود دارد. محققان بر این عقیده اند که جزئیات رقص «چیکا»، بعدها در «Rumba» و «Mambo» تجلی یافت.

رقص جوبا (Juba):

یکی از عمده ترین و مهم ترین رقص هایی که در سراسر جزایر کارائیب و امریکای شمالی رواج یافت، رقص جوبا (Juba) بود. برخلاف رقص «کالندا» و «چیکا»، که رقص هایی عاشقانه بودند، «جوبا» در حقیقت، رقصی رقابتی بود. این رقص با حرکات آرام و لطیف پا و پیچ و تاب های قسمت های مختلف بدن رقاصه ای آغاز می شد. سپس از میان مردان، حریفی را به مبارزه می طلبید و یک نفر که جسورتر از دیگران بود، قدم به میدان می نهاد و آن دو به رقابت می پرداختند و هر کدام سعی می نمودند که زودتر حریف را خسته کنند. البته باید پذیرفت که جنبش پا، رکن اساسی و اولیه ای برای ریتم های مورد نظر در این نوع رقص بوده است. در نوع دیگری از این رقص که در باهاماس (Bahamas) انجام می شد، فقط مردان حضور داشتند، که آشکارا، رقصی رقابت آمیز بود. هر یک از

مردان، هنگام رقص، گام‌ها و پرش‌های خود را بیشتر و بیشتر می‌کردند و درحقیقت توانایی خود را به نمایش می‌گذاشتند.

در بین بسیاری از رقص‌ها، کالندا، چیکا و جوپا، از جمله رقص‌های اجتماعی و تفریحی به حساب می‌آیند. رقص‌های دیگری که به یک اندازه، در سراسر کاراییب، متداول و مرسوم بودند، یا از جمله رقص‌های رسمی بودند، یا رقص مخصوص روزهای تعطیل و رقص‌های مذهبی.

رقص‌های جان کانو (John Canoe):

یکی از تشریفاتی که به مناسبت جشن روزهای تعطیل و آیین‌های مذهبی انجام می‌آگرفت، حضور رقص‌های جان کانو بود. اصل و نسبت این اسم، نامعلوم است، ولی این‌طور تصور می‌شود که این اسم به جان کانو (John Conny)، رئیس قبیله‌ای از ساحل آفریقای غربی، اشاره دارد که در حدود ۱۷۲۰ م. مشهور و نامدار شد. رقص‌های «جان کانو» در زمان جشن‌های کریسمس اجرا می‌شد. این رقصان، حضور خود را، به مدت چندین هفته، با نواختن طبل‌هایی به نام گومبی (Gombay) اعلام می‌کردند.

مردان لباس‌های عجیبی به تن می‌کردند و شمشیرهای چوبی، در دست می‌گرفتند و بالای سر هر یک از آنها، یک جفت شاخ گاو قرار داشت که از داخل ماسک ترسناکی که بر صورت می‌گذاشتند، بیرون می‌آمد.

رقاص‌ها، بر در هر خانه‌ای توقف می‌کردند و با صدای بلند و رسا، فریاد می‌زدند: «جان کانو».

معمولاً زنانی مست، همراه رقصان مرد بودند که به دلایل نامعلومی، به دو گروه آبی و قرمز تقسیم می‌شدند و هر یک از گروه‌ها، توسط ملکه‌ای که لباس آن گروه را بر تن داشت، هدایت می‌شدند.

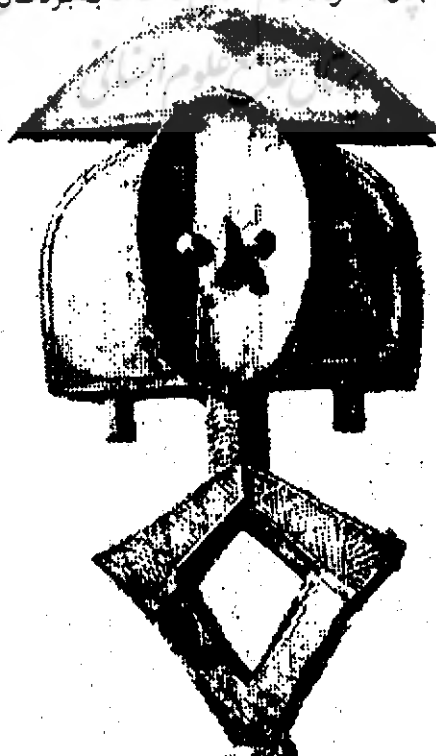
در قرن نوزدهم، آرایش موی مردان، پیچیده‌تر و ماهرانه‌تر شد و کلاه‌های شاخ‌داز و دندان‌دار، جای خود را به خانه‌های کاغذی دادند که در درون آنها، عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی وجود داشت. البته از این پس، آرایش پیچیده‌ی موها، مانع انجام هر گونه حرکت زورمندانه و شدید می‌شد.

رقص‌های گومبی (Gombay):

از جمله رقص‌های مشابه با رقص‌های «جان کانو»، رقص‌های گومبی بودند که در ایام کریسمس، توسط مردانی که چهره‌ی خود را با نقابی به شکل حیوانات وحشی می‌پوشاندند، اجرا می‌شد. رقص‌های گومبی از رقص‌های دایره‌ای بودند و در لحظات اوج این رقص، تعدادی از رقصنده‌های اصلی، از میدان رقص خارج می‌شدند و خود را مشتاقانه و با شدت به اطراف پرت می‌کردند و گاه از شدت وجد و بی‌قراری، بدن خود را در روی زمین، پیچ و تاب می‌دادند و در همین ضمن، صدای نواختن طبل نیز به اوج خود می‌رسید.

برده حتی در رقص

به بردگان کوچ نشین، در سراسر هند غربی،



اجازه داده می شد تا رقص های خود را طی سه روز از ایام کریسمس اجرا نمایند، در صورتی که سایرین، رقص های خود را به شب دوازدهم (Twelfth Night) محدود می کردند. واضح است که بردگان سیاه، از تقویم مسیحی اربابانشان تبعیت می کردند، اگرچه این رقص ها بود که آیین ها و مراسم مذهبی را زنده نگاه داشت.

رقص کشتن مارها (Matar la Culebra):

نمونه غم انگیزی از این رقص های مرتبط با جشن های مسیحیان، رقص کشتن مارها (Matar la Culebra) بود، که در هاواتا و کوبا انجام می شد و این رقص ها تا ۱۹۵۱ نیز انجام می شده که توسط فرناندو اورتیز (Fernando Ortiz)، محقق کوبایی ثبت شده است. این رقص، در «شب دوازدهم»

- هر گونه حس عاطفی انسانی مانند شادی،

غم، خشم، ترس و... به طور طبیعی از

طریق رقص و حرکات موزون در گفتار

روزمره قبایل آفریقایی نمایان می شود

و یا روز جشن شاهان برگزار می شد. گروه عظیمی از رقصان سیاه پوست، در خیابان ها به رقص و آواز خوانی می پرداختند. تعدادی از آنان تمثال بزرگی از مار را بر دوش خود حمل می کردند و بعد به صورت تمثیلی مار را می کشتند و مردم به دور آن موجود مرده، جشن برگزار می کردند و می رقصیدند. مار مظهر و سمبلی مذهبی - و گاهی مقدس - در بین سیاهان هند غربی بوده و اغلب در مراسمی مثل نانینگو (Naningo) و وودو (Voodoo) نمایان می شده است. این مراسم از اولین روزهای تجارت بردگان در قرن شانزدهم رواج یافت، اما متأسفانه هیچ اطلاعی از رقص های واقعی آنها در این مراسم، در دست نیست.

■ پی نوشت:

۱- به طور یقین، طبل از مهم ترین سازها، برای رقص

آفریقایی ها بوده و هم اکنون نیز می باشد.

۲- رقص کالندا دارای نام های

متفاوتی است: «Kalenda»، «Jo- and- Johnny» و

«Joan- and Johnny».

